

این روزها، روزهای دود شدن و به هوا رفتن است، دود شدن هر آنچه سخت و استوار پنداشته می‌شد. جهان در پی قطعیت برآمده از تجربه‌ی مدرنیته، با ناقطعی‌ترین دوران خود مواجه شده و نظام اجتماعی و زیست جهان ما، دستخوش تغییرات بنیادین و پیش‌بینی‌ناپذیری شده است. امروز که تنها یک ویروس، زندگی کرور کرور انسان را به تسخیر خود درآورده است، جهان آستان تحولی شگرف و نامشخص در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی است.

در حالی که به تعبیر فعالان و متخصصان، محیط زیست این روزها راحت‌تر نفس می‌کشد، اما اقتصاد در بحرانی‌ترین وضعیتش به سر می‌برد؛ ترس از رکود اقتصادی، بالا رفتن نرخ بیکاری، جمع شدن برخی از کسب و کارها، همه و همه خبر از تغییر بنیادینی می‌دهد که پیش روی ماست. در چنین شرایطی تنها چیزی که حفظ بقا و تداوم زندگی اجتماعی را میسر می‌کند، تاب آوری است؛ ماندن و تاب آوردن.

نهادهای اجتماعی، گروه‌ها و افراد در تمام سطوح می‌بایست با تاب آوری از ورطه هول انگیز کنونی خود را نجات دهند که البته امری مسبوق به سابقه است؛ بارها و بارها تاریخ بشر بحران‌هایی را از سرگذرانده است که هر چند ناگزیر به تغییر رویه‌ها و گاه تغییر مسیر تاریخ منجر شده اما، با این وجود تمدن بشری تداوم پیدا کرده است.

از جامعه که حرف می‌زنیم، دو سطح کلان و خرد را می‌توانیم در نظر بگیریم؛ نهادهای اجتماعی تا افراد و کنش‌گران. نهادهای اجتماعی به عنوان ساختار تداوم یافته در دل زمان از دورها می‌آیند. یک دسته الگوی کنش، قاعده، ارزش و هنجار هستند که تحول یابنده و در حال تغییرند. خود را متناسب با شرایط بازسازی می‌کنند، عملکردشان را بازتعریف کرده اما با انعطاف و سازگاری می‌مانند و ادامه می‌دهند؛ این مضمونی است که با مفهوم تداوم نهادی توضیحش می‌دهند. در سطح خرد و میانه نیز گروه‌ها و افراد با در دست داشتن مهارت‌های لازم و منطبق شدن با موقعیت موجودشان، راهی را برای حفظ بقا و تداوم زندگی در شرایط ابتیاع می‌کنند. در هر دو سطح می‌توان تاب‌آوری را کلید عبور از حال بحرانی به آینده دانست. تاب‌آوری یک نهاد و تاب‌آوری یک فرد....

تاب‌آوری را بیشتر روان‌شناسانه دانسته‌اند که با شاخص‌هایی مانند خودباوری، اعتماد به نفس و مضامینی از این دست توضیح داده می‌شود. بنابراین ترکیب تاب‌آوری با روش‌های بالینی، آموزشی، مددکاری و مشاوره بستر ساز و حامی رشد و بالندگی می‌دانند و توسعه آن را با پروتکل‌های درمانی، مداخلاتی و انواع روش‌های توانمندسازی میسر می‌دانند. اما فراتر از این، تاب‌آوری ابعاد وسیع اجتماعی هم دارد؛ اساساً چطور ممکن است که از ظرفیت تبدیل و تحول، تطبیق، سازگاری و توان مقابله با بحران بگوییم، بی‌آنکه روابط اجتماعی سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت، اعتماد اجتماعی و مقولاتی از این دست را از نظر دور بداریم؟!

نکته‌ی قابل تأمل در تعریف تاب‌آوری، ارتباط مهم و پیوند موثر بین انعطاف‌پذیری فردی با ظرفیت‌های جمعی است. فردی که در دل یک جامعه‌ی کوچک یا بزرگ با خطرات، چالش‌ها و تهدیدهای جدیدی مواجه شده‌است دچار بحران و آشفتگی است؛ در چنین موقعیتی توان فردی و سرمایه جمعی دو عنصر مهم برای تاب‌آوری و دستیابی به شرایط جدید تلقی می‌شود.

براین اساس مطالعات تاب‌آوری مأموریت اصلی خود را برگشت‌پذیری در سریع‌ترین زمان ممکن و با حداقل آشفتگی و حفظ شایستگی می‌داند. توسعه تاب‌آوری باعث می‌شود که حمایت‌های اجتماعی برای عبور از بحران و تداوم زندگی شکل بگیرد.

بر این اساس تاب‌آوری چیزی نیست که داشتن آن خوب باشد، بلکه ضرورتی برای حفظ حیات اجتماعی است. تعاونی به عنوان یک ساختار مشارکتی که در خود ظرفیت رشد فردی و تولید سرمایه جمعی را دارد، ساختاری معتمد و مستعد برای تاب‌آوری است، خاصه در شرایط کنونی که به نظر می‌رسد نمی‌توان با وضعیت جنگید بلکه بایستی با آن زندگی کرد. باشد که با کمک تعاونی‌ها، تاب‌آورانه از بحران شیوع کوید نوزده برآییم.



مدرسه داری در دوران کرونا

اوضاع غریبی است و ما در شرایط پیچیده و ناخواسته‌ای قرار گرفته ایم. مجموعه راه رشد نیز همانند سایر مراکز و مجموعه های دیگر وظیفه خود می داند که شرایط را با تمامی امکانات و نیروهایی که در اختیار دارد به سمتی پیش ببرد که کم ترین آسیب روحی، دانشی، آموزشی و اجتماعی به کودکان و نوجوانانی که در این مجموعه تحصیل می کنند، وارد شود. مایلم به عنوان نماینده هیأت مدیره، ملاحظاتی را در رابطه با چگونگی عملکرد مدرسه در این دوره را با شما در میان بگذارم؛

بازدیدهای شما از اینستاگرام و حضورتان در صفحات مجازی و گروه های کلاس های مختلف و همراهیتان با دانش آموزانمان، جای تقدیر دارد و بازخوردهایتان در این مسیر در مورد نقاط قوت و ضعف های موجود، راه رما را روشن تر می سازد. در پی این تعامل توضیح کلی من به فعالیت هایی اختصاص دارد که مجموعه راه رشد سال ها در حال انجام آن بوده است و فعالیت هایی که اینک به آن پرداخته است.

بخش اعظم فعالیت مجموعه راه رشد به مدرسه داری و مدرسه گردانی اختصاص دارد و تمام مقاطع از مهدکودک تا دوازدهم پسرانه و دخترانه مشغول به فعالیت است و مراکزی در کنار مدرسه داری وابسته به مجموعه راه رشد فعالیت می کنند که از جمله آن ها می توان به مرکز مشاوره محیا، مرکز آموزش های آزاد راه رشد، مثل آموزشگاه زبان انگلیسی و و باشگاه ورزشی اشاره کرد که علاوه بر خدماتی که به برخی از دانش آموزان راه رشدی دارند، مخاطبان عام نیز از آن برخوردارند.

با توجه به اولویت اصلی ما که مدرسه داری است، تمام تمرکز و فعالیت خود را بر این امر گذاشته ایم که دانش آموزان را آماده کنیم تا سال تحصیلی جاری را با دانش کافی پشت سر بگذارند، اما این موضوع باعث نشده که ما رسالت خود را در رابطه با سایر مراکز و وظایفی که در قبال دیگر مخاطبانمان داشته ایم فراموش کنیم، به همین جهت مرکز آموزشگاه علمی آزاد با نگاه به این که برخی از فرزندانمان از راه رشد و خارج از آن به صورت تک نفره از این خدمات استفاده می کردند، به کار خود ادامه می دهد. این فعالیت کاملاً ماهیت مستقلی از آموزش مدرسه دارد. همان طور که دانش آموزان سر کلاس درس می نشستند و گاهی لازم می دیدیم برخی به صورت انفرادی با معلم در قالب طرح تلاش در ارتباط باشند و اگر به نتیجه مطلوب نمی رسید، از طریق آموزشگاه علمی آزاد پیگیری و به نتیجه میرسید، هم اکنون نیز همین طور است و راه خود را ادامه می دهد.

مرکز مشاوره محیا نیز به همین صورت مشاوره های خود را ادامه خواهد داد و پزشکان ما قرار است جلسات خود با مراجعین را به صورت آنلاین پیگیری

کنند تا هم پروسه درمان کسانی که مراجعه کردند و چندی است که با مرکز در ارتباط هستند، نیمه کاره باقی نماند و هم در این شرایط جدید اجتماعی که گریبانگیر همه جهان است، خدمات بیشتر مورد نیاز مخاطبان را در اختیارشان قرار دهیم.

لازم است توضیحی در مورد طراحی آموزش مجازی ارائه دهم که آموزش مجازی به چه شکلی صورت می گیرد و درصد آموزش آف لاین و آنلاین به چه ترتیب خواهد بود و نقش چت روم ها، کاربرگ ها و تکالیف به چه صورت است و آرایش آموزشی در فضای مجازی چگونه خواهد بود که حق مطلب و آموزش به صورت کامل ادا شود.

میزان آموزش آف لاین یا آنلاین بودن قطعاً به گروه سنی کودک تا نوجوانان بستگی دارد. معلمان ما به صورت شبانه روزی مشغول هستند و دلگرمی شان از بازخوردهای منصفانه شما برای ادامه کار است تا بتوانند خدمات بهتری را ارائه دهند. اما از آن جا که این امر موضوعی غیرمترقبه بود، قطعاً با گذشت زمان پیشرفت های بهتری را در ارائه آموزش های مجازی خواهیم داشت و با توجه به طولانی شدن این شرایط در حال آماده سازی خودمان هستیم تا بسیار تکمیل تر و پخته تر به فرایند کار نگاه کنیم.

آموزش های فوق برنامه مجموعه به طور روزانه در برنامه ی بچه ها گنجانده شده و از اردیبهشت ماه پیرنگ تر خواهد بود اما به هر روی تمرکز اصلی بر دروس اصلی دانش آموزان است. تمام تلاش ما این است که برنامه درسی از پیش تعیین شده دانش آموزان در طول سال تحصیلی را به شکل دیگر و مناسب با شرایط کنونی بازتنظیم کنیم.

برنامه ی آموزش آف لاین به این صورت است که معلم فیلمی را تهیه می کند مسئول دپارتمان آن را بررسی و اشکالات را میگیرد. مجدداً به معلم برای ادیت بازگردانده و در گروه معلمان قرار داده می شود و در صورت تأیید دیگر معلمان برای صداگذاری در اختیار گروه تدوین قرار می گیرد، لوگو نصب کادربندی و دیگر کارها بر روی ویدیو اعمال و پس از آن در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد. چنانکه می دانید چنین روندی نیاز به سرعت عملی دارد زیرا فیلم ها به شکل روزانه تولید می شود و گروه هایی بیش از ساعت موظف در حال آماده سازی آن ها هستند.

به مرور آموزش های آنلاین هم وارد خواهد شد و با توجه به تحقیقات ما، گروه سنی دانش آموزان میزان آموزش آنلاین متفاوتی را می طلبد. آموزش های آنلاین متوسطه و پیش دانشگاهی از همان ابتدا شروع به کار کرده و برای ورود به مقاطع پایین تر سعی داریم محدودیت هایی مثل پهنای باند خانه ها و هم چنین بازگشایی کسب و کارها و شاغل بودن والدین و نیاز به همراهی اولیاء در مقاطع پایین تر را مورد توجه قرار دهیم تا به آشفته شدن فضای ذهنی دانش آموزان دامن نزنیم.

به هرحال شرایطی پیش آمده که بایستی کنار هم باشیم. امیدوارم که بتوانیم، با حوصله و باحسن نیت، مسائل را به شکل منطقی پیش برده و فضای کم تنش را برای فرزندان خود فراهم کنیم. یکی از مهم ترین کارهای ما به عنوان دو نهاد مهم مدرسه و خانواده این است که این فضا را برای آن ها امن کنیم و از فضای ناامن عمومی که برای آن ها ایجاد شده است حفظشان کنیم. در چنین مسیری می بایست با تأمل و تعامل بیشتر با هم به پیش برویم.



شیوع کرونا

و آنلاین شدن آموزش مدرسه

با تعطیل شدن مدارس به نظر می‌رسد که فعالیت اهالی مدرسه به ویژه معلمان کمتر شده است اما مشاهدات ما از حجم فعالیت همکاران و مدیران، نشان از آن دارد که نه تنها در عرصه مدرسه‌داری و آموزش حجم این فعالیت‌ها کمتر نشده بلکه افزایش چشم‌گیری هم داشته است. ما در این ویژه‌نامه قصد داریم گپ و گفتی با دو معلم ابتدایی از حیث اهمیت این مقطع داشته و از پیامدهای مثبت و منفی تدریس مجازی و آنلاین ببرسیم. سمیه صانعی معلم اول ابتدایی دخترانه و دونا عربشاه معلم پایه دوم ابتدایی پسرانه از معلمان پرکار و با سابقه راه‌رشدی هستند که با وجود شرایط کاری فشرده ما را برای به ثمر نشستن این گفت‌وگو یاری کردند.

سمیه صانعی از سال ۱۳۸۳ وارد مجموعه راه رشد شده است و از همان ابتدا کار خود را با معلمی مقطع اول دبستان پیگیری کرد، با این معلم توانمند و قدیمی همراه هستیم تا از آموزش در دوران کرونایی صحبت کنیم.

هم‌زمان با شیوع بیماری کرونا آموزش مدارس به سمت مجازی شدن پیش رفته، فضای جدید را چطور ارزیابی می‌کنید؟



صانعی: این روزها که کرونا نه تنها آموزش مدارس بلکه کل امور زندگی ما را تحت تأثیر خود قرار داده است و به طور ناخواسته همگان را خانه نشین کرده است، آموزش مجازی نیز به سیستم یادگیری ما وارد و در واقع به نوعی تحمیل شد و فصل تازه‌ای از آموزش در مدارس ایران رقم خورد. در کشور ما اگر آموزش‌های تلویزیونی را فاکتور بگیریم این نوع از آموزش برای اولین بار اجرا شد که به طور یقین این نوع از یاددهی در بسیاری از کشورها از گذشته اجرا می‌شده است. اما این بار فضای مجازی بستری شد برای آموزش همگانی. این نوع از آموزش اگر به خوبی طراحی و اجرا شود می‌تواند تا اندازه‌ای مثر ثمر باشد ناگفته نباشد که استفاده از شبکه‌های مجازی برای یاددهی و یادگیری به خود مخاطب هم بستگی دارد به طوری که فراگیر باید تمایل به استفاده از آموزش مجازی را داشته باشد و در چگونگی استفاده از آموزش‌های دیداری و شنیداری مهارت‌های کافی را داشته باشد و قطعاً استفاده از آموزش مجازی مزایایی مثل فراهم آوردن فرصت به روز رسانی دانش را دارد. گرچه خوب است به یاد داشته باشیم که کجا هستیم و به کجا می‌خواهیم برویم. استفاده به یک باره و این حجم از مطالب برای دانش آموزان دشوار بود چراکه آن‌ها با این شرایط بیگانه بودند.

بایستی ضرورت و اهمیت آموزش مجازی را بسیار قبل‌تر از این شرایط در تمامی مدارس و سیستم آموزشی ایجاد می‌کردیم چراکه تعطیلات ناخواسته در مدارس ایران زیاد است؛ یکی از مهم‌ترین این موارد موضوع آلودگی هوا در کلان‌شهرهایی مثل تهران است. بهتر بود که با این فضا بسیار قبل‌تر از این شرایط روبه‌رو می‌شدیم.

یکی از ایرادات این طرح فراهم نبودن بستر کار مناسب بود؛ به این معنا که سرعت پایین اینترنت، حجم بالایی از کاری که مبتنی به خلاقیت شخصی معلم بود و میزان آشنایی با فناوری و اپلیکیشن‌های جدید، همه و همه از مواردی بود که باید پیش‌تر از این‌ها در مورد آن‌ها تمهیداتی اندیشیده می‌شد.

با شیوع این بیماری و نگرانی والدین از یک سو؛ دغدغه امر آموزش هم به آن اضافه شده است. گرچه خانواده‌ها به اجبار با استفاده از فضای مجازی خو گرفته‌اند امیدواریم که این ارتباط مؤثر و استمرار آموزش دانش‌آموزان از این طریق بتواند تا حدی از نگرانی آنان بکاهد.

آیا دانش‌آموزان با آموزش مجازی ارتباط مؤثری گرفته‌اند؟

همان‌طور که می‌دانید من معلم کلاس اول دبستان هستم به طور یقین برای دانش‌آموز در این سن که در حال آشنایی با فضا، محیط مدرسه، کلاس درس و معلم هست ارتباط چهره به چهره و مستقیم نوعی ارتباط ملزوم است پس باید نحوه آموزش مجازی به صورت دقیق طراحی و اجرا شود چراکه اگر ارائه جذاب نباشد فراگیر می‌تواند با فشردن یک کلید از آموزش خارج شود امکانی که در کلاس درس وجود ندارد.

اما بازخوردی که من از اولیاء و حتی خود دانش‌آموزان در طول آموزش‌های این چندماهه دریافت کردم این است که در برخی موارد بچه‌ها استقبال کردند و در برخی موارد نه که این هم به نوع ارائه و طراحی فعالیت و زمان و

مسئولان داشتیم نه از سمت معلمان و این سیستم خانگی به نظر من پاسخ گو نیست و نشان دادن یک دانش آموز دبستانی با آن همه شور و هیجان پای آموزش مجازی به هیچ وجه کار آسوده ای نیست و نیاز به یک کار آموزش دقیق و محتوای جذاب برای نگه داری مخاطب دارد.

به طور کلی ما نیاز به یک تحول در سیستم آموزشی داریم البته که در این ایام به ضرورت فراهم کردن توسعه لازم برای آموزش از راه دور واقف شدیم و شاهد هستیم تمامی دست اندرکاران مدارس و والدین در تلاش هستند که جریان آموزش دچار خلل نشود. اما اگر قرار است آموزش مجازی جبران عقب افتادگی تحصیلی را در این شرایط آموزش مجازی داشته باشد باید تسهیلاتی در کار باشد و مهم ترین آن دست رسی به حجم سرعت بالای اینترنت است. این مورد برای آموزش در فضای اسکای روم یکی از مشکلات عمده ما است که نمی توانیم به طور ایده آل وب ارائه کنیم.



دونا عربشاه، از سال ۱۳۸۹ وارد مجموعه راه رشد شده است و تجربه معلمی در مقاطع پیش دبستانی و ابتدایی را دارد. در حال حاضر این همکار گران قدرمان معلم مقطع دوم ابتدایی در واحد پسرانه است. با وی همراه بودیم تا از چند و چون آموزش در این دوران کرونایی جویا شویم.

همزمان با شیوع بیماری کرونا آموزش مدارس به سمت مجازی شدن پیش رفته، فضای جدید را چطور ارزیابی می کنید؟

آغاز آموزش های مجازی به منظور جبران توقف فعالیت های مدارس برای پیشگیری بیماری کرونا راهکار و یا تنها راهی بود تا آموزش دانش آموزان از راه دور استمرار پیدا کند در ابتدا با شیوع بیماری نگرانی و اضطراب خانواده ها از یکسو و توجیه نبودن والدین و دانش آموزان و گاهی خود معلمان برای ادامه این نوع از آموزش ها از سوی دیگر مواجه بودیم. آموزش مجازی در

شیوه اجرا بازمی گردد. ناگفته نماند برای دانش آموز کلاس اولی همراه بودن والدین یا یک بزرگ تر از او اجابات امر است و تمام این ها در ارتباط گیری دانش آموزان با فضای مجازی تأثیر دارد.

یادگیری دانش آموزان را در شرایط کنونی چطور ارزیابی می کنید؟

در جواب این سؤال باید بگویم ما با تدریس دروس و ضبط و تدوین فیلم کار آموزش، دانش آموزان را پیگیری می کنیم و از طریق اشتراک گذاری در فضای مجازی سعی می کنیم خللی در جریان آموزش آن ها به وجود نیاید. تکالیفی را هم برای آن ها تعیین می کنیم و در پیگیری انجام دادن آن توسط دانش آموزان هم بسیار مصرانه عمل می کنیم اما باید این را بدانیم که تعمق یادگیری در آموزش دانش آموزان دبستانی موضوع بسیار مهمی است که نباید از آن غافل شد و دلیل آن ارتقاء به پایه بالاتر است. در صورتی که مطالب پایه قبلی به خوبی اتفاق نیفتاده باشد افت تحصیلی را در پی خواهد داشت که در این باره باید بگویم که در برخی از دروس نمی توانیم با نشستن و گوش دادن بازدهی لازم را بگیریم و باید فعالیت هایی را طراحی کنیم مثلاً برای درس ریاضی و علوم که باید از ابزارها برای یادگیری بهتر استفاده کنیم محدودیت هایی وجود دارد. این شرایط برای من معلم کلاس اولی بیش تر مطرح است و چنین شرایطی می تواند نگرانی هایی را به وجود آورد.

در آموزش های حضوری معلم به صورت حضوری شاهد انجام فعالیت هاست اما حالا نمی دانیم که این فعالیت ها کار خود دانش آموزان است یا همراهی هایی را در پی دارد و این نگرانی در برخی از موارد به وجود می آید که ضرورت مرور مجدد مطالب را با بازگشایی مدارس دوچندان می کند به طور یقین نمی توانم در مورد ارزیابی این شیوه نظر بدهم مگر با وجود طراحی دقیق زیرساخت ها. این شرایط موضوع مهمی است که نباید به راحتی از آن گذر کنیم.

بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که جهان به سمت آموزش مجازی میل می کند ارزیابی شما به عنوان معلم چیست؟

قطعاً آموزش های مجازی همان طور که در بالا اشاره کردم مزایایی مثل کاهش هزینه های آموزشی، فرصت به روز آوری دانش و ... را دارد اما کاستی هایی هم می توان برای آن متصور بود که در پاسخ های بالا به آن اشاره کردم.

با وجود تمامی مشکلات این شرایط رابطه مستقیمی با خلاقیت و ابتکار معلمان دارد. حقیقت ماجرا این است که ما به عنوان معلم با عدم آمادگی قبلی وارد این میدان شدیم و آن چه من در خودم و سایر همکاران می بینم این است که نهایت تلاش و خلاقیت خود را به کار گرفته اند تا به امر خطیر آموزش صدمه ای وارد نشود و دانش آموز لطمه ای نخورد و این را به جرأت می توانم بگویم که کار ما نسبت به آموزش حضوری و کلاس درس چندین برابر شده است چرا که ما محتوای از پیش تعیین شده نه از سمت

صورتیکه با برنامه ریزی درست همراه باشد میتواند نتیجه بخش باشد. البته علاقه و انگیزه ی خود دانش آموزان هم در این مورد بی تاثیر نخواهد بود. لازم بذکر است در این میان ما به راهکارهایی هم برای علاقه مند کردن و ترغیب دانش آموزان رسیده ایم تا آنها را در مسیر جدیدی از آموزش ها همراهی کنیم.

آیا دانش آموزان با آموزش مجازی ارتباط مؤثری گرفته اند؟

ارائه ی آموزش های مجازی باید به گونه ای باشد که برای این گروه سنی (مقطع ابتدایی) علاقه و انگیزه ی لازم برای دنبال کردن آموزش ها را به همراه داشته باشد تا بتواند جایگزین آموزش چهره به چهره باشد. به این صورت که از نحوه ی آموزش گرفته تا میزان تکالیف به درستی برنامه ریزی شود. این موضوع سبب شده تا دانش آموزان با علاقه ی بیشتر مطالب را دنبال کنند.

به طور قطع در دسترس بودن آموزش های مجازی فرصت یادگیری بدون حضور معلم را برای دانش آموزان فراهم کرده است و باعث تغییر شکل سنتی انتقال اطلاعات از معلم به دانش آموز شده است؛ به گونه ای که معلم و دانش آموز هر دو برای ارائه مطالب به شکل بهتر به تحقیق و جمع آوری اطلاعات می پردازند و اطلاعات خود را بازنگری و به روز می کنند در واقع شاهد تغییر مسیر آموزش از یاد دادن به یاد گرفتن هستیم که این می تواند از محاسن آموزش مجازی محسوب شود.

یادگیری دانش آموزان را در شرایط کنونی چطور ارزیابی می کنید؟

از نظر من میزان یادگیری دانش آموزان در شرایط فعلی به دلیل عدم ارزیابی دقیق معلم قابل سنجش نیست به این معنا که نمی توان با اطمینان کامل در مورد میزان یادگیری همه ی دانش آموزان نظر داد. هرچند پرسش و پاسخ هایی همه روزه در کانال ها به صورت مجازی صورت می گیرد و معلم هارفع اشکال می کنند اما معلم به طور مستقیم شاهد روند یادگیری دانش آموزان نیست. تا این که رفته رفته به جلو حرکت کنیم و پس از پایان دروس و کتاب ها بتوانیم آزمون هایی برگزار کنیم تا بتوانیم به صورت آنلاین سطح یادگیری دانش آموزانمان را ارزیابی کنیم هرچند با بازگشایی مدارس نیاز به تمرین و تکرار مطالب قبلی وجود خواهد داشت.

بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که جهان آموزش به سمت مجازی شدن در حال سوق است، ارزیابی شما به عنوان یک معلم از میدان تجربه، در این باره چیست؟

یکی از سختی های آموزش مجازی به ویژه در مقطع ابتدایی نداشتن ارتباط چهره به چهره دانش آموزان با معلمان است. همان طور که می دانیم در این مقطع ارتباط مستقیم با معلم بسیار در روند یادگیری مؤثر است هم چنین نبود حس کار گروهی بین دانش آموزان از معایب این سبک از آموزش به حساب می آید هرچند در ابتدا این باور وجود داشت که دانش

آموزان بایستی برای یادگیری بهتر در فضای مدرسه حضور داشته باشند اما رفته رفته شاهد آن هستیم که جهان در مسیری از این آموزش قرار گرفته است به نحوی که آموزش آنلاین در حال جایگزینی آموزش حضوری است اما هم چنان به نظر من در مقطع ابتدایی هیچ نوع و سبک از آموزشی نمی تواند جایگزین آموزش حضوری شود زیرا دانش آموزان این مقطع به قدری کوچک هستند که برای استفاده از اینترنت نیاز به همراهی و همکاری والدین خود برای استفاده از آموزش های آنلاین دارند. مگر آن که با استمرار این وضعیت و ادامه آموزش ها به این شیوه برنامه ریزی های دقیقی صورت گیرد تا دانش آموزان پایه ابتدایی و مقاطع پایین تر نیز بتوانند خودشان بدون کمک والدین خود (با وجود شاغل بودن والدین) بتوانند از اینترنت استفاده کنند و خللی در آموزش آن ها صورت نگیرد.



کنترل اضطراب در دوران کرونا

مرکز مشاوره محیا و مشاوران مدرسه از دیگر کادرهای مهم و درگیر در این دوران کرونایی بودند تا بتوانند از حجم اضطراب والدین و حتی خود دانش آموزان کم کرده و آنان را به ادامه راه و پی گیری امر آموزش تشویق کنند. در همین راستا گفت و گویی را با مشاوره پایه دبستان پسرانه مونا صنعتی داشتیم که در ادامه می خوانید.



مرکز مشاوره و روانشناختی محیا مجتمع آموزشی راه رشد

وضعیت کنونی آموزش دانش آموزان تحت تأثیر آموزش آنلاین و اضطراب های دوره شیوع کرونا را چطور ارزیابی می کنید؟

در این نوع از آموزش های مجازی حضور معلم پررنگ تر و ارزشمندتر شده است و والدین متوجه ارزشمند بودن کار معلمان و افراد شاغل در

دست کم در این شرایط دانش آموز تماس تصویری با معلم، مشاور یا مدیر خود دارد و می تواند آن فضای عاطفی را که به وجود آمده، حفظ کند. شکل گیری فضای اسکای روم دانش آموزان را ذوق زده کرد که توانستند دوستان و معلمان خود را ببینند و حتی در قسمت چت روم با دوستان خود ارتباط داشته باشند. اما نمی توان این موضوع را فراموش کرد که جایگاه کلاس درس قابل مقایسه با آموزش های آنلاین نیست چراکه حضور در کلاس درس و حضور معلم به قدری ارزشمند است که تا قبل از تجربه چنین شرایطی نمی توانستیم به آن پی ببریم.

آموزش های آنلاین در شرایط کرونایی فکر خوبی است بچه ها رفته رفته عادت کردند که چطور از فضای مجازی و آموزش ها استفاده کنند و می دانند که این شرایط همان کلاس درس است.

ما به عنوان مشاور پیگیر مستمر کارها و تکالیف بچه ها هستیم که بتوانیم شرایط را برای آنان و والدین هموارتر کنیم. زمانی که یک بچه پایه اول بگوید که نمی خواهم تکلیف خود را انجام دهم و شما به عنوان والد نتوانید کاری کنید روش درستی نیست باید با اقتدار بیشتر و دیسیپلین حرکت کرد.



شرایط کرونایی نظم زندگی همگان را به هم ریخت و این شرایط پس از تعطیلات تا حدی نظم گرفت و با بازگشت خانواده ها به روال زندگی روزمره و منظم، رفته رفته دانش آموزان هم به شرایط عادت کرده و توانستند کارها و تکالیف خود را انجام دهند.

امتیاز دادن والدین به بچه ها و دلسوزی های نادرست، اقتدار و مدیریت آن ها را زیر سؤال می برد و شرایط را به سمتی سوق می دهد که والدین شرایط را به دست فرزندان کوچک خود می سپارند که به شدت نیاز به مدیریت شدن دارند تا مدیریت کردن. این شیوه آموزش مجازی شرایطی است که باید بدان عادت کرد چراکه سرانجام کار مشخص نیست و بهترین کار نظم داشتن و کنترل اضطراب است.



مدرسه هستند. این درحالی است که دانش آموزان راه رشدی زمان زیادی را در مدرسه می گذرانند و اکثرا در برنامه ای افتراسکول هم حضور داشتند و والدین تقریباً ساعت ۶ عصر بچه ها را از مدرسه به خانه می بردند و نهایت تایمی که با آن ها در منزل سپری می کردند حدود دو ساعت بود تا بچه شامی بخورد و بخوابد. اما در حال حاضر شرایط بسیار متفاوت شده و والدین ناچارند دائماً نقش معلم را برای فرزندان خود داشته باشند و این شرایط را برای آنان دشوار کرده است. البته ناگفته نماند که مبنای صحبت های من به عنوان مشاور دانش آموزان براساس صحبت های تلفنی است که با اولیاء داشتیم.

خود والدین اذعان داشتند که تازه به نقش معلم و مدرسه و اهمیت کلاس درس و کادر مدرسه پی برده اند. درحال حاضر دانش آموزان ما در فضای مجازی تکالیف را می خوانند و ارسال می کنند. اما خوب تصور بر این بود که این روند یک روند گذرا است و اولیاء نهایتاً اسفند را درگیر هستند و پس از آن کلاس ها و مدارس دایر خواهد بود و سعی می کردند آن یک ماه را مدارا کنند. اما رفته رفته با طولانی شدن چنین شرایطی بچه ها کندتر و سست تر شدند و یک علت؛ این است که در مدرسه یک ناظری به نام معلم وجود داشت و کمک ناظرهایی به نام ناظم، مشاور و مدیر حضور داشتند و اگر دانش آموزی در انجام تکالیف کوتاهی می کرد یا آن ها را انجام نمی داد از او می خواستند که این کار را انجام دهد. خیلی از دانش آموزان به دلیل این که معلم خود را ناراحت نکنند و ارتباط چهره به چهره با معلم خود داشتند سعی می کردند تا تکالیف خود را به خوبی انجام دهند.

در حال حاضر اما ناظر کار و تکالیف آنان تنها والدین هستند که دائماً در حال امر و نهی به فرزندان خود هستند که این تنها به حوزه آموزش مربوط نیست بلکه سایر رفتارهای یک کودک را هم در برمی گیرد. بچه ها ممکن است نخواهند تکالیف را انجام دهند و والدین اصرار بر انجام آن دارند و این امر باعث یک کشمکش بین والدین و فرزندان شده است و این شرایط آن ها را به سمت سست شدن و نافرمان تر شدن سوق می دهد.

والدین هم کم کم به سته آمده اند و ما همیشه گزارش هایی از این دست را داشتیم که مشاور پیگیر کارهای دانش آموز باشد چراکه حرف شنوی بچه ها از آنان بیش تر است. گرچه در این دوران ارتباط حضوری میسر نبود و تنها راه ارتباط گفت و گوی تلفنی بود باز با این حال بچه ها تکالیف شان را با شنیدن صدای مشاور خود سعی می کردند انجام دهند.

روش کار هم به این صورت بود که مشاوران یک لیست انجام تکالیف یا عدم آن را داشتند و تکالیف دانش آموزان را در فضای مجازی رصد می کردند. تماس مشاوران با والدین و دانش آموزان برای پیگیری تکالیف شان باعث می شد دانش آموزان شرایط را جدی تر بگیرند. در حال حاضر فضای ایجاد شده اسکای روم مزیت هایی را برای بچه ها به همراه آورده است که صدا البته اهمیت آن برای مقاطع بالاتر بیش تر است اما دانش آموزان مقاطع دبستانی و پایین تر مثل کلاس اول و دومی ها نیز می توانند از این فضا البته با همراهی والدین خود استفاده کنند و وقتی اجازه دسترسی به میکروفون داده می شود یک سری شرایطی وجود دارد که نیاز به کمک والد اهمیت پیدا می کند.

واحد بهداشت،

مدافعان سلامت!

شاید اگر با یادآوری هشتگ مدافعان سلامت بخواهیم در متوسطه یک و دوی دخترانه راه رشد از کسی قدردانی کنیم، او کسی نیست جز خانم فولادی، مسئول بهداشت این دو مقطع. کسی که در چند ماه اخیر کار و نگرانی‌هایش بیشتر شده است که البته، وقتی بیشترین نگاه و دغدغه به بهداشت و به‌ویژه بهداشت محیط و وسایل باشد، بار مسئولیتی که سنگین بود سنگین‌تر می‌شود! بخش بهداشت باید فضا را امن و عاری از هرگونه نشانه و اثری از ویروس و بیماری کرونا می‌کرد که این همتی بلند و پایدار می‌طلبید. من برای آگاهی از روند انجام این وظیفه خطیر و حیاتی، به سراغ خانم فولاد رفتم و از اقدامات بخش بهداشت در این چندماهه پرسیدم.

خانم فولاد با دقت و حوصله مجموعه اقدامات آموزشی و میدانی بخش بهداشت را برایم توضیح داد. تلاش‌هایی که از دی‌ماه سال گذشته شروع شده و تاکنون ادامه دارد. این‌که چطور از دی‌ماه سال گذشته با حضور در کلاس‌ها، مشغول آگاهی‌بخشی و آموزش درباره بیماری و ویروس کرونا بوده است. در هر کلاس ۱۵ دقیقه از علائم و نشانه‌ها، راه‌های انتقال، راهکارهای پیشگیری و روش صحیح استفاده از ماسک گفته است و در اقدامی تکمیلی، دستور نصب پوستری آموزشی مربوطه را در فضاهای مدرسه (کلاس‌ها، راهروها، اتاق‌ها و...) داده است. شاید یکی از پرتکرارترین کارهای خانم فولاد، پاسخ به پرسش‌های دانش‌آموزان و همکاران درباره کرونا است!

اما این همه اقدامات نبوده است. برگزاری دوره آموزشی برای نیروهای واحد بهداشت درباره نحوه کار با دستگاه‌ها و مواد ضدعفونی و شوینده، آموزش به همکاران، ضدعفونی سه‌باره تمام ساختمان‌های متوسطه‌های



یک و دوی دخترانه راه رشد (راه‌پله‌ها، راهروها، نرده‌ها، میزها و صندلی‌های اداری، سرویس‌های بهداشتی) و کلاس‌ها با مایع ضدعفونی‌کننده دتول در هر روز و قرار دادن مواد ضدعفونی در تمام کلاس‌ها و اتاق‌های اداری و راهروها، گوشه‌ای دیگر از تلاش‌های واحد بهداشت بوده است. ضدعفونی کلاس‌ها، شامل تمام وسایل داخل کلاس بوده و نیروهای زحمت‌کش و متعهد واحد بهداشت، با دقت، تمام وسایل و سطوح را ضدعفونی می‌کردند. در کنار رسیدگی به ضدعفونی سطوح و فضاهای مختلف، تب تمامی دانش‌آموزان و همکاران به هنگام ورود و حضور در مدرسه به‌دفعات با دستگاه تب‌سنج اندازه‌گیری می‌شد.

خانم فولاد گفتند که پاره‌ای از این اقدامات و تلاش‌های بی‌وقفه در ایام تعطیلی و در آستانه بازگشایی مدارس برای حضور احتمالی دانش‌آموزان نیز ادامه داشته و انجام شده است. یکی از این موارد، ضدعفونی تمامی سطوح با دستگاه‌های مه‌پاش بوده است.

واحد بهداشت در بخش آموزش مجازی نیز فعال بود و چند فیلم آموزشی با موضوع کرونا در تارنمای مجتمع آموزشی راه رشد منتشر کرد؛ همچنین با فراخوان دانش‌آموزان برای شرکت در مسابقات آموزش و پرورش در رشته‌های نقاشی، عکاسی و مقاله‌نویسی با موضوع کرونا، برای آگاهی‌بخشی در این زمینه‌ها نیز منشأ اثر بوده است.

در حال حاضر و با آغاز امتحانات پایه نهم، واحد بهداشت با چیدمان میز و نیمکت‌ها (با فاصله دو متر)، تهیه ماسک و دستکش و قرار دادن سطل زباله در دراز در هر کلاس، شرایط را برای برگزاری امتحانات آماده نموده است. این اقدامات با توجه به نزدیکی امتحانات پایه دوازدهم و نظر به این‌که مدرسه راه رشد به‌عنوان حوزه امتحانی پایه دوازدهم نیز انتخاب شده است با دقت و پیگیری دوچندان در حال اجراست.

با توجه به صحبت‌های خانم فولاد، واحد بهداشت متوسطه یک و دوی دخترانه راه رشد عملکردی تحسین‌برانگیز و مطابق با دستورالعمل‌های بهداشتی و مراقبتی داشته است و با تلاش‌های بی‌وقفه در ادامه این روند، همچنان مدافع سلامت دانش‌آموزان و کلیه کارکنان خواهد بود.



نگاهی به فعالیت گروه حلقه مطالعاتی در دوران کرونا در

قرنطینه با کتاب

سی‌ام بهمن‌ماه و با اعلام رسمی ابتلای دو نفر به کرونا در ایران، موج وحشت کم‌کم ارتفاع گرفت و به سرعت منجر شد به سونامی هولناک ابتلا و مرگ. افزایش تصاعدی تعداد مبتلایان و قربانیان کرونا، دولت را مجبور به تعطیلی همه‌جانبه کشور کرد. تعطیلی، که یکی از راهکارهای جلوگیری از شیوع کرونا بود طبعاً نظام آموزشی را نیز شامل می‌شد و فرهنگیان مانند سایر مردم خانه‌نشین شدند. هرچند، این خانه‌نشینی برای فرهنگیان به معنای بیکاری و کار نکردن نبود و آن‌ها با برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های جدید، مانع توقف روند آموزش شدند.

فرهنگیان در کنار پیگیری و استمرار آموزش، سعی کردند تا از اوقات خویش بهینه استفاده کنند. تلاشی که همکاران ما در مجتمع آموزشی راه رشد نیز بر آن دوام و قوام داشتند. این دوام و قوام در حلقه مطالعاتی راه رشد نمود بیشتری داشت و آنجا با پیگیری مطالعه کتاب‌هایی که قبلاً مسئولان حلقه برای مطالعه جمعی معرفی کرده بودند، چراغ دانایی و آموختن همچنان فروزان بود.

در کنار مطالعه جمعی آن کتاب‌ها، اعضای حلقه خود نیز مشغول خواندن و غور در کتاب‌ها بودند. در حلقه مطالعاتی راه رشد و با پیشنهاد آقای دکتر

قاسم‌پور، همه بر آن شدند تا از کتاب‌هایی که در ایام قرنطینه و خانه‌نشینی می‌خوانند و یا خواهند خواند بگویند. اعضای حلقه با اشتیاق و یکی پس از دیگری از برنامه مطالعات خود در این روزها می‌گفتند.

آغازگر این حرکت، یعنی آقای دکتر قاسم‌پور گفت که حکایت طوطی و بقال از مثنوی، شرح غزل دوم از حافظ، سوره حمد از کتاب تفسیر نمونه و خلاصه رمان دن کیشوت را در دو ساعت خوانده است و بنا دارد برنامه مطالعاتش را در جدولی بنویسد تا ببیند تا پایان سال ۹۹ چقدر خوانده و چقدر یاد گرفته است.

بعد همکار گرامی خانم میرنجی تصویری از کتاب «قصر قورباغه‌ها» را به اشتراک گذاشتند و نوشتند: «داستان‌های گوردن را خیلی دوست دارم. این داستان را نخوانده بودم». البته خانم میرنجی کتاب «انسان در جستجوی معنا» را نیز برای این روزها مناسب می‌دانستند اما هرچقدر گشته بودند اثری از کتاب نبوده و امیدوارم در این مدت کتاب را پیدا کرده و خوانده باشند! خانم سعیدی دیگر عضو حلقه گفتند کتاب «مرشد و مارگاریتا» را می‌خوانند که به نظر خانم سعیدی، نویسنده سبکی متفاوت در بیان عقاید خودش داشته است. کتابی که اعضای حلقه به گفتگو درباره آن پرداختند و هر یک از شوق خواندن دوباره و یا حال خوبی که از خواندنش داشته‌اند گفتند.

خانم اصلاح‌پذیر هم تصویر کتاب‌هایی که می‌خواندند را منتشر کردند: «کفش‌های ایتالیایی» و «داستان‌های قدیمی از کاستیا لایبه خا». خانم جمالی هم همین‌طور؛ تصویر سه کتاب با عناوین «نه تشویق و نه تنبیه»، «روانشناسی زبان» و «خانوم» را که می‌خواندند منتشر کردند.



یادداشت تعاونی پژوهشی برگ نو و جمعی از تشکل های تعاون در حوزه زنان به بهانه هشت مارس

ضرورت تاب آوری زنان در بحران اپیدمی بیماری

بزرگداشت روز جهانی زن در سال ۲۰۲۰ مصادف با دوران بحرانی شیوع ویروس کووید ۱۹ در جهان است که زندگی بخش قابل توجهی از مردم دنیا را تحت الشعاع قرار داده است. این یادداشت به رقم شعار بیست و پنجمین بیانیه و اقدام پکن در موضوع توجه به ساختارهای حقوقی، قصد دارد به نقش زنان در تاب آوری جامعه انسانی در مقابل این تهاجم بیولوژیکی بپردازد. موضوع تاب آوری از طریق تحقق عاملیت زنان، گرهگاهی با مفهوم مشارکت دارد که در حل بحران کنونی، راهبردی ضروری است. به همین مناسبت عاملیت زنان، مشارکت و تاب آوری، موضوعات جدا و در عین حال پیوسته ای با یکدیگر است که تداوم اجتماعی را امکانپذیر می کند.

بر کسی معلوم نیست که وضعیت کنونی تا به کجا پیش خواهد رفت؛ ابعاد تلفات و هزینه درمان و کنترل بیماری تا دستیابی به مهار آن نامشخص است، با این وجود میتوان مساله کنونی را به لحاظ سطح گستردگی در جهان، دستکم از معضلات جدی قرن حاضر دانست. در خوش بینانه ترین حالت کنترل این بیماری با صرف بودجه گزاف و تحمل تنش و اضطراب بالا و نیز بحران نظام اقتصاد جهانی میسر خواهد شد؛ این همه هزینه های هنگفتی است که ویروس کرونا از جامعه انسانی ستانده و می ستاند. با این همه این بحران تنها بحرانی نیست که جامعه جهانی به خود دیده است؛ بارها و بارها فجایی از این دست رخ داده و جامعه ی انسانی به دلیل تاب آوری و توانایی در سازگاری، بقای خود را حفظ کرده است.

دربوم شناسی و علوم طبیعی، تابآوری یک ویژگی است که به سیستم امکان و اجازه بازسازی وضعیت پیشین خود را پس از صدمه حاصل از یک شوک می- دهد. در روانشناسی ترجمان متناظر این مفهوم، حفظ سلامت فردی در مواجهه با فاجعه است. در واقع روانشناسان با طرح این مفهوم به توضیح چگونگی سازگاری با موقعیت با تحمل کمترین حد آسیب و بهره گیری از موقعیت برای شکوفایی و رشد شخصی می پردازند؛ آنها وجوه عموماً فردی را در فرایند تاب آوری موثر میدانند؛ چنان که اعتماد به توانایی فردی در مواجهه با بحران و در پی آن کنترل هیجان و دست یافتن به آرامش لازم برای حل مساله واجد اهمیت است. در چنین رویکردی فرد در بحران، نه یک قربانی بلکه انسان منعطف و واجد قدرت برای تغییر و بهبود موقعیت است.

روانشناسان همچنین ارتباط و حمایت از دیگران به قصد معنابخشی به موقعیت را عامل دیگری برای تابآوری دانسته اند که تابآوری فردی را به فضایی جمعی گره میزند. تابآوری افراد را در حفاظت از خود و دیگران توانمند میکند و فرصت های کافی در حال و چشم انداز آینده را دستمایه مدارا و سازگاری در برابر حوادث قرار می دهد.

تابآوری اجتماعی رابطه معناداری با گروه اجتماعی زنان دارد؛ زنان سهم جمعیتی بزرگی را به خود اختصاص داده اند و البته میدان اثرگذاری آنان از نسبت جمعیتی شان بیشتر است. زنان به واسطه نقش اجتماعی برساخت شده شان و نیز به واسطه ویژگی های بیولوژیکی و ظرفیت مراقبت و حمایت ویژه شان، نقش موثری در تاب آوری جامعه در حال بحران خواهند داشت. حفظ آرامش، تدبیر امور

خانم منتظری سرگذشت ندیمه را می خواند و درباره اش نوشت: «در کتاب می خوانیم هر کاری که انجام می شود به خاطر حکم انجیل است؛ با حداقل به افراد زیردست گفته می شود که این طور است. در جامعه پادآرمانی کتاب که روی زنان تمرکز دارد، آن ها هیچ حق و حقوقی ندارند؛ البته نه همه زن ها، سخت گیری غیرقابل تصور فقط برای ندیمه هاست».

«این خیابان سرعت گیر ندارد» کتابی بود که خانم بصیری خانه نشینی را با خواندنش سپری می کرد!

خانم قربانی زاده در حوزه شناخت درمانی «از حال بد به حال خوب» را می خواند.

خانم آشوری «۲۱ درس برای قرن ۲۱» را می خواند و خب چه چیز بهتر از درس آموزی از هراسی! کتابی که از قضا خانم جوادپور هم مترصد فرصتی برای خواندنش بودند که در ایام قرنطینه مجال پیش آمده بود و ایشان هم مشغول مطالعه این کتاب بودند.

«انسان خردمند» دیگر کتاب هراسی بود که خانم قاسمی مشغول خواندنش بود.

خانم صانعی نیز «انسان خردمند» را می خواند و گفت که دوست دارد «تسلط بخشی های فلسفه» و «نیمه تاریک وجود» را هم بخواند.

خانم ترابی «مامان و معنای زندگی» را پیشنهاد کردند و در معرفی اجمالی کتاب گفتند: «کتابی در زمینه روان پزشکی و روان درمانی که به صورت داستانی نقل شده و بسیار زیبا و تکان دهنده است». کتابی که همکاران دیگر با گفتن از تجربه مطالعه آن، اشتیاق برای خواندنش را دوچندان کردند!

«درمان شوپنهاور» کتابی بود که خانم مختاری با توصیه خانم صانعی می خواند!

خانم گودرزی گفت «چای با فروید» را که در مورد روانپزشکی و روانکاوی است و در غالب داستان نقل شده می خواند.

«مخلوقات یک روز» کتابی بود که خانم محمدخانی می خواند.

خانم مهدی در این روزها به خواندن «زندگی خود را دوباره بیافرینید» مشغول بود.

پس از نگاه به تک تک کتاب ها، آنچه بیشتر توجه مرا به خود جلب کرد تنوع موضوعی آن ها بود. از رمان و داستان تا روانشناسی و تربیتی و آموزشی و...! تفاوت هایی ناشی از تنوع نیازها، تنوع سلیقه ها و شاید تنوع درک ما از جهان پیرامون. این که با فرصت پیش آمده در کدام جهت و برای قوام کدام جنبه از دانش و آگاهی هایمان قدم برمی داریم و در کدام مقولات تأمل می کنیم؛ که شاید حاکی از دغدغه ها و نگاه هایی مشترک بود. شاید نشانی از آنچه ما در طلب آنیم! آنچه در اوقاتی چنین، یعنی وقتی فارغ از مشغله های همیشگی هستیم به آن می پردازیم و آن را، گمشده خویش می دانیم.



تعاونی های زنانه تشکلی سامان یافته و ظرفیتی واجد اهمیت با دوعنصر مهم عاملیت زنان و توجه به خیر جمعی تلقی می شوند. این تعاونی ها بیش از دیگر سازمان ها و موسسات خصوصی، در جریان تاب آوری موثر هستند. آنها با درک پیوند ناگسستنی بین منافع فردی و خیر جمعی، به عنوان رویه زیست شده شان در تعاونی، دست به کنش اجتماعی و اقتصادی با هدف عبور از بحران و بازگرداندن تعادل و ثبات به جامعه می زنند. از سوی دیگر وجه حمایتی و مراقبتی تعاونی های زنانه این مجموعه ها را با رویکردی ترمیمی به سمت حمایت همدلانه از افراد در معرض بحران سوق می دهد. تلاش برای پایداری شغل افراد و تابآوری در برابر کاهش سود فردی در تعاونی مثالی بارز از چنین رویکردی است. تعاونی ها و به ویژه تعاونی های زنان، بستر تحقق عاملیت فردی در راستای ایجاد پایداری و ارتقای اجتماعی هستند. امید می رود تحقق عاملیت زنان و مشارکت آنان در میدان کنشگری به تاب آوری جهان انسانی در برابر طغیان طبیعت منجر شود. روز زن را با حمایت از ساختارهای مشارکتی و به ویژه تعاونی های زنان که دغدغه شان بازگرداندن تعادل و عدالت به جامعه انسانی است، پاس میداریم و دست تک تک نهادهایی را که در این بحران جهانی با اقدامات جهادی گونه و روحیه تعاون گری خود یاریگر جامعه پزشکی بودند - اتحادیه تعاونی های صنایع دستی استان تهران، اتاق تعاون ایران، خانه تعاون گران ایرانی و مجتمع آموزشی راه رشد - به گرمی می فشاریم. اتاق فکر بانوان تعاون گر که در واقع به عنوان یک کمیسیون مستقل و فعال در حوزه زنان و تعاونی ها فعالیت می کند برای گذر از این بحران اقداماتی را به انجام رسانیده است.

در استان گلستان با هماهنگی دانشگاه علوم پزشکی این استان و تعاونی بهزیستی گنبدکاووس؛ دوخت یک میلیون ماسک، لباس ایزوله پزشکی و کادر درمان در حال انجام است، این روند در شش استان دیگر کشور نیز، در حال پیگیری است. روند کار به این صورت است که دوخت ماسک در کارگاه های کوچک صورت گرفته و ایزوله کردن آن توسط سپاه انجام میشود چراکه کارگاه های کوچک به امکانات ایزوله و پاکسازی کردن درست رسی ندارند.

در استان کرمانشاه و اراک نیز به دلیل عدم توانایی تأمین پارچه خاص که در تهیه ماسک کاربرد داشته و امکان فراهم کردن این پارچه که با نام تیشو شناخته می شود تنها از طریق تهران میسر است و ما با منع آمد و شد مواجه هستیم تصمیم بر آن شد تا این دو استان به تأمین ماسک از پارچه تترون البته با الیافی خاص تر اقدام کنند.

خانم صالحیان نیز به عنوان یک بانوی تعاونگر دیگری که درگیر پروسه تولید اقلام پزشکی مورد نیاز جامعه پزشکی است توانسته به تولید نوعی ماسک از پارچه مایویی همت کند که در واقع کار وی، یک نوع کپی برداری از کار چینی ها برای مقابله با ویروس کروناست و تولید این نوع ماسک با سرعت بالایی همراه است.

از کارهای دیگر اتحادیه پاکسازی و ایزوله سازی کل معابر و ای تی ام های مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است. در همین راستا تأمین اقلام میان وعده و بحث گندزدایی نیز در حال پیگیری است. اقداماتی با همراهی نهادهای ذی ربط برای فرصت دادن به پرداخت شارژ، اجاره و ... هم چنین تغییر روند خرید و فروش به اینترنتی و ارسال کالاها به صورت پستی و ... صورت گرفته است.

با حمایت شهرداری و باشگاه یونسکو طرح سپیدجامگان که یک طرح ملی است در قالب کمپین از عموم داوطلبان برای انجام کارهای داوطلبانه دعوت می کند تا به این پویش ملی بپیوندند.

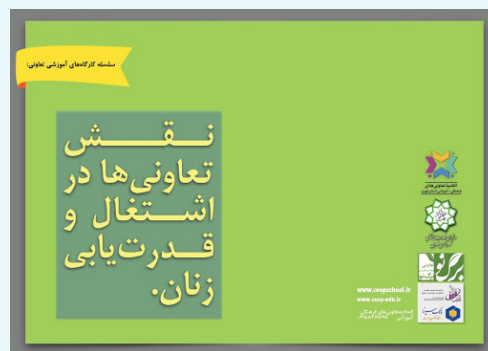
مجتمع آموزشی راه رشد نیز به عنوان یکی از فعالان حوزه تعاونی و عضو اتاق فکر بانوان تعاون گر نیز در راستای پویش مردمی «دست یار» و در جهت کمک به ادامه روند یادگیری در مدارس کم برخوردار آماده است که سیستم آموزش مجازی خود را از پایه اول دبستان تا پایه دوازدهم به این مدارس ارائه کند.



و نگهداشت تعادل نقش مهمی در تاب آوری، عبور از بحران و پایداری دارد؛ در این اثنا حوزه خانواده و اقتصاد دو ساحت مهم و در معرض بحران کنونی تلقی می شوند که تحت عاملیت زنان میتوانند به ظرفیتی برای عبور از بحران تبدیل شوند. زنان در مقایسه با مردان، ارزش های اجتماعی تأمین کننده رفاه دیگران را در اولویت قرار میدهند و از این رو عمدتاً بر ارزش اجتماعی خیرخواهی و خیر همگانی تأکید دارند. خیرخواهی در آنان، خاستگاه مراقبت و بهبود رفاه عمومی است و کلنگری و دید همگانشان به فهم، همدلی و حمایت از دیگران منجر می شود.

در بحران کنونی خانواده فرصت و تهدید توأمان است؛ خانواده ی تاب آور می تواند به بازگرداندن جامعه به وضعیت تعادل یاری رساند و در عین حال فقدان تاب-آوری در خانواده تعادل عمومی را ناممکن خواهد کرد. سالمندان و کودکان دو گروه اجتماعی در نهاد خانواده هستند که آسیب پذیری خانواده در مقابل اپیدمی بیماری را افزایش می دهند؛ سالمندان، به عنوان قربانیان بالقوه این تهدید، نیازمندترین گروه به

حمایت های اجتماعی هستند که با محدودیت های موجود از قبیل منع تجمع و ناممکن بودن روند عادی زندگی، از حمایت های اجتماعی محروم می شوند و در آستانه بحران جدی تری قرار خواهند گرفت. کودکان نیز قشر دیگری هستند که تحت تأثیر شرایط کنونی در معرض آسیب پذیری قرار دارند. شنیدن مداوم اخبار بیماری از رسانه های جمعی و مشاهده واکنش های توأم با نگرانی والدین و رفتارهای وسواس گونه آنها، در نهایت نرفتن به مدرسه و عدم دسترسی به گروه همسالان و تخلیه هیجانات، در معرض اضطراب قرار خواهند گرفت. زنان با نقش کانونی در خانواده و حوزه تأثیر عاطفی از ظرفیت بالقوه مهار هیجان و مدیریت وضعیت موجود برخوردارند، منوط به اینکه بتوانند در شرایط فعلی سطحی از تاب-آوری فردی را در خود تحقق بخشیده و کنترل احساسات و عواطف خود را به دست گیرند و از خرد و خلاقیت برای مهار هیجانات جاری بهره گیرند.



کارگاه برگزار شده توسط مجتمع آموزشی راه رشد در سال ۱۳۹۶

در ساحت اقتصاد کرونا را بزرگترین چالش جهانی بعد از بحرانهای سال ۲۰۰۸ دانسته اند و در پی آن نزول رشد اقتصادی جهان را تا کمتر از نصف پیشبینی کرده اند. همچنین در پی وقوع این معضل جهانی علاوه بر خسارت هنگفتی که به صادرکنندگان و نیز تولیدکنندگان متحمل شده اند، نگرانی مردم از حضور در اجتماعات و بازار خرده اقتصادهای شهری را با ورشکستگی مواجه کرده است. عاملیت و مشارکت زنان در بحران اقتصادی کنونی، امکانی برای تابآوری اجتماعی تلقی میشود. زنان از سویی عامل موثری در سیاست خانه و تنظیم میزان و نحوه مصرف متناسب با شرایط موجود بوده و از سوی دیگر به عنوان نیروی مولد اقتصاد تلقی می شوند. در واقع حضور زنان در میدان تولید اقتصادی و آزاد شدن پتانسیل بالقوه کار آنها، میتواند به بهبود وضعیت معیشتی، تولیدی و خدماتی منجر شود.

لیلی شیرزاد

وبینار مشترک ILO ، ICA در دوران کرونا

ضرورت تاب‌آوری

تعاونی‌ها به ویژه

تعاونی‌های زنان

چندین تعاونگر نظرات خود را در مورد وضعیت موجود و تأثیر آن بر حرکت‌های برابری جنسیتی بیان کرده و از چالش‌هایی که ممکن است در پیشبرد برابری جنسیتی در شرایط کنونی جهان با آن مواجه شوند، سخن گفتند.

سخنرانی‌های آنان پیامدهای کویید ۱۹ را در مشارکت زنان و چالش‌های نوظهور بررسی کرد. این وبینار در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۲۰ به عنوان دومین وبینار از سری وبینارهای واحد مشارکتی سازمان جهانی کار (ILO) برگزار شد.

این وبینار سعی داشت تا نشان دهد چرا زنان در این مشارکت‌ها و فعالیت‌ها شرکت کرده یا چگونه به عنوان رهبر، مؤسس، کارگر و ... در آن عضو می‌شوند.

هدف دیگر این وبینار منعکس کردن جنبه‌های مثبت این مشارکت در چالش‌های پیش رو در توانمندسازی زنان بود.

این وبینار تحت نظارت فلیپ مارکانت؛ رئیس بازارهای کار فراگیر، شعبه سازمان کار جهانی و رابطه کارگران و وضعیت کار برگزار شد و افراد زیر در آن شرکت داشتند.

■ میرپا چاترجی: رئیس انجمن خوداشتغالی زنان از هند

■ سیفا چیوکه: مدیر دفتر منطقه‌ای اتحادیه بین‌المللی تعاون آفریقا، کنیا

■ استفانی مارکن: رئیس روابط بین‌الملل و سیاست‌های اروپا، ایتالیا

■ نادیا وبر: محقق مستقل، کانادا

■ خانم چاترجی

در مورد استراتژی دوگانه انجمن خوداشتغالی زنان بر سازماندهی کارگران و اقتصاد غیررسمی برای احقاق حقوق کارگران صحبت کرد و همچنین اشاره ای به ضرورت وجود تعاونی‌ها برای ارائه خدمات ضروری و معیشتی در چنین شرایطی داشت.

انجمن خوداشتغالی زنان یک اتحادیه تجاری متشکل از ۱,۷ میلیون زن در اقتصاد غیررسمی است که از گسترش ۱۲۰ تعاونی زنانه در سراسر کشور

هند شامل: تعاونی‌های کشاورزی، مالی، صنایع دستی و بخش‌های خدمات چنگانه (سلامت، بهداشت و ساخت و ساز و ...) حمایت می‌کند.

براساس تخمین سازمان کار جهانی نزدیک به ۴۰۰ میلیون از کارگران اقتصاد غیررسمی به دلیل بحران کرونا ممکن است به فقر بیش‌تری دچار شده یا حتی کار خود را از دست بدهند. خانم میرپا چاترجی در میان صحبت‌های خود به اقداماتی اشاره کرد که می‌تواند از اقتصاد غیررسمی زنان حمایت کند که این پشتیبانی‌ها شامل غذا، حمایت مالی، گسترش حمایت اجتماعی و ورود به جامعه است.

سخنرانی خانم سیفا چیوکه به طور کلی بر وضعیت کنونی برابری جنسیتی در قاره آفریقا به ویژه فعالیت‌های تعاونی زنان و چالش‌های پیش روی آنان در پیشبرد برابری جنسیتی بود. از نکات اصلی که وی در سخنرانی خود به آن اشاره کرد می‌توان از مواردی مثل دسترسی محدود زنان به زمین و منابع دیگر، موانع جنسیتی در سمت‌های رهبری و مشارکت محدود و فرآیندهای تصمیم‌گیری نام برد که این موارد اغلب با خشونت بوده که می‌تواند شرایط را برای حضور زنان کمرنگ‌تر کند.

خانم مارکون در مورد تأثیرات کویید ۱۹ بر همکاران زن خود در تعاونی‌ها تأکید کرد و از درخواست‌های اصلی آنان صحبت کرد که شامل: دسترسی به اعتبار و نقدینگی برای بقا و ماندن مشاغل، حمایت از زنان کارگر که در خانه بیش‌ترین وظایف خانه و تأمین آن با آنهاست و همچنین در سازگاری با کار هوشمند؛ همکاری بین مدارس، خانواده‌ها، مقامات محلی، اجتماعی به منظور کاهش نابرابری‌های آموزشی میان کودکان.

مورد دیگر حمایت از مبارزه با بدتر شدن خشونت‌های جنسیتی بود. وی همچنین از اقدامات جنبش‌های تعاونی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای پیشبرد برابری جنسیتی سخن گفت.

ارائه خانم وبر بر یافته‌ها و توصیه‌های یک پژوهش در رابطه با برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در تعاونی‌ها تأکید داشت. در همین راستا در سال ۲۰۱۵ با حمایت کمیته ارتقاء و پیشرفت تعاونی‌ها و تحقیق بر روی اقتصاد غیررسمی پژوهشی انجام شد که مرکز تحقیقات بین‌المللی توسعه در سال ۲۰۱۹ از آن پشتیبانی کرد.

خانم وبر در مورد مسائل مربوط به سیاست و قانون، توصیه‌هایی را در مورد کاهش موانع فرهنگی، ساختاری و دسترسی زنان به زمین، ورودی‌های تولید، امور مالی و سایر خدمات به اشتراک گذاشت و از تأسیس تعاونی‌ها توسط زنان کارگر حمایت کرد. وی در مورد مدیریت و عملیات تعاونی بر اهمیت تعیین برنامه برابری جنسیتی در تعاونی و پیگیری و سنجش پیشرفت چنین برنامه‌هایی تأکید کرد.



تاثیر مثبت کرونا برای محیط زیست

برای حفظ طبیعت باید سبک زندگی تغییر کند

در طول دورانی که آدمی توانست بر طبیعت چیره شود، با اشتیهای سیری ناپذیری در این میدان تاخت؛ بهره گرفتن از طبیعت و برآمدن بر بام خواسته‌های خود را تا به آنجا پیش برد که امروز تبدیل به تهدیدی برای طبیعت شده است؛ در دوران پیشا مدرن از آنجا که زندگی آدمی بیشتر به طبیعت و کشاورزی وابسته بود و ابزار تکنولوژی آنچنان در دسترس نبود، روی مهربانتر و سازگاری بیشتری با طبیعت داشت. اما همزمان با مدرن شدن، تیغ تاراج طبیعت در دست آدمی، تیزتر شد و بر جان طبیعت بیشتر افتاد. زنجیره ی تولید، توزیع و مصرف اقتصادی در قامت ساختار اقتصاد خصوصی، به طور تام و تمام از طبیعت بهره می برد و بر طبیعت آسیب می‌رساند؛ زیرا آنچه اولویت این میدان است دسترسی به سود اقتصادی بیشتر، بهره وری بیشتر از طبیعت و مصرف بیشتر بر مدار لذت و آسایش بیشتر است.

ساختارهای اقتصادی به ویژه در بخش خصوصی به نهایت پیشبرد چنین منطقی، ضربات محکمتری بر طبیعت وارد کرده‌اند. اصل سودمحوری منطق موجهی است که دست سرمایه‌داران را باز می گذارد تا بدون در نظر

گرفتن اولویت‌های دیگر به تاخت، بتازند و کام خود را برآرند؛ آنان فقط به سود بیشتر و حفظ منافع خود می اندیشند، و چون منطق آنها منطق سود و سرمایه است، زبان دیگری را نمی شناسند و تنها عدد است که ذهنشان را پر کرده است؛ هر چند امروز از مسئولیت اجتماعی شرکت‌های خصوصی سخن می رود اما کیست که نداد در اکثر موارد، همین مسئولیت اجتماعی هم ابزاری برای جلب نظر و کسب سود بیشتر است. نکته قابل تامل این است که آیا راهی برای کنترل سرمایه داران وجود دارد که با آسیب کمتر به طبیعت، با مصرف کمتر و با حفظ منافع بیشتر به منجر شود؟

میدان اقتصاد، ساختارهای جمعی که به منافع افراد بیشتری گره خورده است، روی سازگاری تری به سوی طبیعت نشان می دهند. در واقع در در این ساختارها به غیر از سود یک حلقه اقلیت محدود، منافع جمع کثرتتری در جریان است؛ چنین روندی پیامدهای مهمی به همراه دارد؛

اول اینکه در ساختار خصوصی، سرمایه‌ی بزرگی توسط افراد محدود وارد چرخه کار اقتصادی می شود؛ بنابراین افراد و فرد تصمیم گیرنده دست بازتری برای برداشت حداکثری سود دارد و منافعش به طور جدی تری درگیر چرخه کار است. در چنین شرایطی منطقی به نظر می رسد که حداکثر امکان را برای کسب حداکثر سود به کار گیرد و بنابراین احتمال آسیب به محیط زیست بیشتر شود، این در حالی است که در ساختار کار جمعی که تعاونی نمونه بارز آن است، سرمایه های خرد و تعدد افراد تصمیم گیرنده دو عامل مهم در کنترل دست اندازی به طبیعت و بهره گیری از آن است. در اینجا به هر قیمتی به کسب سود نمی اندیشند زیرا افراد بیشتر و در نتیجه پیوندهای مؤثرتری میان جامعه، طبیعت و اقتصاد برقرار است که خودش عامل کنترل آن تلقی می شود. همچنین در ساختار کار جمعی، سرمایه های خرد جمع شده است و به سرمایه اصلی تبدیل شده است؛ بنابراین افراد هزینه ی کمتری کرده‌اند و به همین نسبت حساسیت کمتری در لحظات



یکی از این اتفاقات ناگوار اما خوشایند برای سلامت زمین بود. از همین روی به عنوان نکته آخر می‌توان گفت؛ گرچه کرونا آسیب‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی را به وجود آورد اما در نگاه کلی زمین نفسی تازه کرد.



محمد درویش؛ فعال محیط زیست

بحرانی خواهند داشت تا سرمایه‌ی خود را حفظ و به سود حداکثری ارتقاء دهند؛ در چنین لحظه‌هایی که بنای انتخاب میان نفع شخصی و منافع عمومی تر باشد، امکان انتخاب خیر عمومی بیشتر است.

مخلص کلام آنکه به هر میزانی که انحصارطلبی از اقتصاد زدوده شود و سودمحوری صرف پس رانده شود، امید برای بقای طبیعت بیشتر است. تعاونی‌ها بهترین افق را برای نشان دادن چنین مناسباتی دارند و از همین روی اقتصاد آنها را اقتصاد اجتماعی گفته‌اند.

در این دورانی که ویروس کرونا باعث توقف اجباری در تولید گازهای گلخانه‌ای، آلاینده‌های هوا، پسماندها و فاضلاب‌های صنعتی و حتی تخریب منابع طبیعی داشت طبیعت توانست جانی تازه گیرد و محیط زیست به ترمیم خود مشغول شود.

بشر با کاستن از فعالیت‌های اقتصادی خود به نوعی فرصت مجددی به محیط زیست داد. گرچه درحال حاضر دست درازی جامعه بشری به محیط زیست محدود شده است که البته این موضوع با دوره طولانی که از تاثیر منفی انسان در محیط زیست، به دست آمده، ناچیز است. با این حال ممکن است این شرایط در دوران پساکرونا با افزایش فعالیت اقتصادی تغییر کند و چه بسا آلاینده‌های بیشتری تولید شود؛ اما آنچه در شرایط فعلی اهمیت دارد این است که محیط زیست توانسته فرصتی برای نفس کشیدن پیدا کند.

در این رابطه محمد درویش، رئیس کمیته محیط زیست در کرسی سلامت اجتماعی یونسکو در مصاحبه با خبرگزاری‌ها گفت: کرونا و پاندمی کووید ۱۹ به عنوان یک مُسکن برای محیط زیست است که برای مدتی آسیب‌هایی که به محیط زیست وارد شده را تسکین می‌دهد. در این مدت که شاهد کاهش فعالیت‌های انسانی هستیم نسبت به گذشته آلودگی هوا کاهش پیدا کرده است. شرایطی که این مدت به دلیل ویروس کرونا برای محیط زیست به وجود آمده است، درمان نیست بلکه یک مُسکن مقطعی است و نباید انتظار داشت که این تاثیر مشکل محیط زیست را برای همیشه حل کند.

مخاطرات زیست محیطی نتیجه سبک زندگی مردم است و مردم گزینه‌ای جز این نوع سبک زندگی ندارند و مجدداً به کارخانه‌هایی که سطح آلودگی زیادی دارد باز می‌گردند. همچنین بعد از کرونا مجدداً کشاورزی پرمصرف ادامه پیدا می‌کند و هواپیماهایی که استفاده می‌شود همچنان جو را می‌خراشد. به گفته این فعال محیط زیستی درمان قطعی برای محیط زیست تغییر سبک زندگی برای دوره زمانی ۱۰ تا ۲۰ ساله است.

مردم با این پاندمی متوجه شدند که چقدر نقش منفی در طبیعت و محیط زیست داشتند؛ شاید قبل از کرونا مردم هیچ وقت این را احساس نمی‌کردند که عدم حضور آنها چقدر به نفع طبیعت و حتی خود آنها است. در میان تمامی موجودات بیشترین ردپایی که اثر تخریبی آن بر طبیعت نمایان و گاهی غیر قابل جبران است رد پای انسان است. هر اتفاقی که منجر به کاهش فعالیت‌های مخرب انسانی گردد به نفع کره زمین است و کرونا

نقد فیلم پلتفرم

برداشتی آزاد از

سایت های سینمایی

فیلم «پلتفرم» محصول شبکه‌ی نتفلیکس ناگهان فضای اینترنت را به تسخیر خودش درآورد. این روزها تقریباً همه در فضای مجازی از تجربه‌ی دیدن «پلتفرم» می‌نویسند.

اولین چیزی که درباره‌ی «پلتفرم» باید بدانیم این است که هیچ قهرمان واقعی خوش‌قلب یا هیچ تبه‌کار حقیقتاً شروری در آن یافت نمی‌شود. گازتلو-اوروتیا در مصاحبه‌هایش گفته است که فیلمش نه یک نقد اجتماعی، بلکه یک خودنکوهی اجتماعی است. انسان‌ها در این فیلم نه قربانی یک نیروی خارجی، بلکه خودشان در آن واحد، متهاجم و قربانی، گرگ و بره هستند. در عوض، «پلتفرم» درباره‌ی محدودیت‌های احساس هم‌دلی و همدردی خودمان با دیگران است؛ درباره‌ی اینکه یک انسان خوب‌بودن در هرکدام از طبقات هر جامعه‌ای چقدر سخت است؛ درباره‌ی اینکه به محض تهدید شدن دارایی‌ها و بقایمان، چقدر دور انداختن اصول اخلاقی‌مان و عبور از خط قرمزهایمان آسان می‌شود؛ درباره‌ی اینکه ما حتی در متمدن‌ترین و شیک‌ترین حالت ظاهری ممکن‌مان هم در پشت‌پرده در یک قتل‌عام دسته‌جمعی نقش داریم و عضو سمفونی تباهی و درماندگی یکدیگر هستیم؛ ما آدم‌خوار هستیم و خودمان خبر نداریم. حفره در این فیلم سمبل سیستمی است که

هرکدام از ساکنانش خواهان یک چیز منحصر به فرد از آن هستند؛ یکی مثل گورن به دنبال سرگرمی و آرامش، یکی مثل تریماگاسی در جستجوی آزادی و یکی مثل ایموگوبری، دومین هم‌اتاقی گورن، به دنبال درمان سرطانش است. حفره برای هرکدام از آن‌ها حکم خدایی را دارد که در برابرش زانو می‌زنند و خواسته‌هایشان را التماس می‌کنند؛ غافل از اینکه با خدای ظالم و بی‌تفاوتی طرفند که اصلاً معلوم نیست از وجودشان آگاه باشد. گرچه این آرزوها و قول‌ها سوختِ دوندگی و امیدواری ساکنان حفره را تأمین می‌کند، اما حفره به گونه‌ای طراحی شده که دستیابی به آرزوها و قول‌هایش غیرممکن است؛ آن‌ها همه پیش از به حقیقت پیوستن خواسته‌هایشان می‌میرند؛ حفره حکم چرخ‌گوشتی را دارد که آن‌ها را از یک طرف می‌بلعد و جویده‌شده و متلاشی‌شده از طرف دیگر بیرون می‌دهد. ارجاعات «پلتفرم» به نظام کاپیتالیسم که می‌گوید کوشش و زحمت سخت به پول و پاداش منجر می‌شود غیرقابل‌انکار است.

اما در حفره، تقلا کردن در طبقات پایین ساختمان به امید باز کردن مسیرت به خارج از آن و پیوستن به جمع ساکنان نوک هرم، یک امید واهی است. یکی از قوانین عادی حفره که گورن خیلی زود یاد می‌گیرد این است که نثار کردن فحش و بد و بیراه به ساکنان طبقات بالاتر از خودمان و نادیده گرفتن ضجه و زاری‌ها و فریاد التماس طبقات پایین‌تر از خودمان و بی‌احترامی کردن در حد تف انداختن و حتی ادرار و مدفوع کردن روی سر ساکنان طبقات پایین‌تر روند طبیعی حفره است؛



می‌دهد که طبقه‌ی اجتماعی انسان به معنای واقعی کلمه به این بستگی دارد که در کدام طرفِ یک خط باریک به دنیا می‌آییم. در همین حین، طبقه‌ی شماره صفر به ساکنانِ نوکِ هرم یا به عبارت دیگر «ژن‌های خوب» تعلق دارد؛ قدرتمندانی که از امتیازاتِ ویژه‌ی برخوردار هستند. فکر و ذکرِ ساکنانِ طبقه‌ی صفر به شکلی به تولید، اقتصاد، صنعت و ایده‌آل‌گرایی‌شان معطوف شده است که نسبت به تقلا، نیازهای ابتدایی، مرگ و میر و واقعیتِ تلخ و سیاهِ زندگی طبقاتِ پایین‌تر نابینا هستند.

در حالی طبقاتِ پایین‌تر برای یک لقمه غذای کثیف یکدیگر را می‌کُشدند که مسئول کنترل کیفیتِ آشپزخانه با جدیت از بی‌نقص‌بودنِ مواد غذایی اطمینان حاصل می‌کند، روی پخت و پزِ دقیقِ آن‌ها نظارت می‌کند و روی هرچه زیباتر ترزین‌شدنِ آن‌ها تاکید و اصرار می‌کند.



هرکدام از کاراکترهای فیلم سمبلِ یک گروه یا ایدئولوژی هستند. مثلاً تریماگاسی نماینده‌ی این است که چگونه انسان‌های فاسد، قدرت‌طلب، خودخواه، حریص و طمع‌کار، ستون‌های سیستم را تقویت می‌کنند و با مشارکت کردن در آن، ایدئولوژی ضدانسانی حکومت را با وجودِ اینکه خودشان یکی از قربانیانش هستند، پخش می‌کنند. او علاوه‌بر از اینکه از طبقاتِ بالا و پایینی‌اش متنفر است، مالکیتِ هرچیزی را که بتواند ادعا می‌کند؛ حتی اگر آن فقط یک واژه باشد؛ تریماگاسی ادعا می‌کند که واژه‌ی «مشخصاً» به او تعلق دارد و از هم‌اتاقی‌اش قول می‌گیرد که از آن استفاده نکند. گرچه او تقریباً هیچ قدرتی در حفره ندارد، اما از همان قدرتِ ناچیزی که شرایطِ تصادفی حفره برایش فراهم کرده است برای اینکه به معنای واقعی کلمه روی دیگران ادرار کند استفاده می‌کند. گرچه سرزنش کردنِ تریماگاسی خیلی آسان است، اما فیلم نه‌تنها خیلی زود نشان می‌دهد که تریماگاسی به همان اندازه که در این سیستمِ ظالم مشارکت می‌کند، به همان اندازه هم محصولِ این سیستم است، بلکه از لحاظِ قوسِ شخصیتی

درواقع به کسی که از طبقاتِ بالاتر انتظار کمک دارد و به کسی که دلیلِ توهین کردن به طبقاتِ پایین‌تر را می‌پرسد، به‌عنوانِ فردی غیرطبیعی نگاه می‌شود. البته که ساکنانِ حفره به همان اندازه که بدبختی و گرسنگی طبقاتِ پایین‌تر از خودشان را تجربه می‌کنند، به همان اندازه هم ممکن است ناز و نعمتِ طبقاتِ بالاتر را تجربه کنند. اما آن‌ها هرگز از تقلا در چرخه‌ای تکرارشونده در بین خودشان و در چارچوبِ دیوارهای بتنی ساختمان نجات پیدا نمی‌کنند. درست همان‌طور که در «انگل»، خانواده‌ی خدمتکار به محض اینکه در عمارتِ خانواده‌ی ثروتمند ساکن می‌شوند، دیگر قادر به همدردی با مصیبت‌های ساکنانِ طبقه‌ی ضعیفِ خودشان (خدمتکار قبلی و شوهرش) نیستند، در حفره هم ساکنانِ طبقاتِ پایین‌تر به محض بیدار شدن در طبقاتِ بالا بلافاصله به همان کسانی که ازشان متنفر بودند تبدیل می‌شوند. درواقع این دورویی بهتر از هرکس دیگری در رابطه با تریماگاسی

دیده می‌شود؛ او در حرکتی اعصاب‌خردکن به همان سرعت که نسبت به رفتارِ بی‌تفاوتِ طبقاتِ بالاتر نسبت به او اعلام تنفر می‌کند و ادای یک قربانی زجرکشیده را در می‌آورد، به همان سرعت هم با ادرار کردن روی طبقه‌ی پایینی‌اش، بی‌زاری‌اش را نسبت به کسانی که آن‌ها را فقط به خاطر طبقه‌ی اجتماعی‌شان، فرومایه و منزجرکننده می‌داند اعلام می‌کند؛ بدون هیچ‌گونه فاصله‌ای بینِ این دو. در جریانِ فقط یک جمله، اشاره‌ای به اینکه سیستمِ رقابتی حفره، احساسِ همدردی و همبستگی‌شان را به

قتل رسانده است. در یکی دیگر از لحظاتِ فیلم، گورن و باهارات، هم‌اتاقی سیاه‌پوستِ جدیدش در اعماقِ دورافتاده‌ی ساختمان با فردی مواجه می‌شوند که با وجود بسته‌های پولش، کماکان مثل دیگران، گرفتارِ حفره است و قادر به خریدنِ آزادی‌اش به خارج از آن نیست.

زندانیان در آغاز هر ماه، به‌طور تصادفی در یک طبقه‌ی جدید بیدار می‌شوند؛ استعاره‌ای از اینکه که چقدر ثروتمند بودن یا فقیر بودن به شانس بستگی دارد یا چقدر تعیینِ جایگاهِ اجتماعی‌مان از کنترلِ خودمان خارج است. اینکه در کدام طبقه قرار می‌گیریم فقط به تصمیمِ دیگران بستگی دارد. به عبارتِ دیگر، زندانیان در حالی نسبت به طبقاتِ بالاتر بیزار هستند و طبقاتِ پایین‌تر را پست و خوار می‌شمارند که وضعیتِ هیچکدام از آن‌ها واقعاً دستِ خودشان نیست؛ هیچکدام نعمتِ طبقاتِ بالاتر یا فلاکتِ طبقاتِ پایین‌تر را انتخاب نکرده‌اند؛ هیچکس به‌طرزِ ناعادلانه‌ای پاداش نمی‌گیرد یا به‌طرزِ نادرستی مجازات نمی‌شود. سرنوشتِ آن‌ها در آغاز هر ماه دستِ خودشان نیست. درست همان‌طور که جوردن پیل نیز در «ما» نشان

"ضرورت وجود فضای فیزیکی مدرسه در فرآیند یادگیری"

چندی پیش فراخوانی در گروه‌های مجازی برای همکاران با این مضمون گذاشته شد:

همکاران گرامی با توجه به شرایط و محدودیت‌های پیش‌آمده در امر آموزش، خوشحال می‌شویم اگر دیدگاه خود را درباره "ضرورت وجود فضای فیزیکی مدرسه در فرآیند یادگیری" در قالب یادداشت برای انتشار در ویژه‌نامه نشریه نیمکت سفید با موضوع کرونا برای ما بفرستید. یکی از همکاران خوب ما آقای عارفی کیا، مشاور پایه‌های هفتم و هشتم متوسطه یک پسرانه به این فراخوان پاسخ داده و مطلب زیر را برای ما ارسال کردند. باشد که شاهد چنین دریافت‌هایی هرچه بیش‌تر از سوی همکاران عزیزمان باشیم.

امروزه به علت پررنگ‌تر شدن فضای مجازی و آسیب‌های آن، لزوم بازنگری در استفاده صحیح‌تر از فضای مجازی خصوصا در دانش‌آموزان یک ضرورت لحاظ می‌شود. پرداختن به امر آموزش صرفا به صورت مجازی آنهم برای دانش‌آموزانی که اغلب وقت زیادی را روزانه در فضای مجازی صرف می‌کنند قطعاً آسیب‌زا خواهد بود. حضور فیزیکی دانش‌آموز در مدرسه باعث توانایی در تعامل مؤثر با همسالان و ایجاد محیط و موقعیت مناسب عاطفی، روانی و اجتماعی بصورت فردی و گروهی است، در این شرایط دانش‌آموز خود از آرامش، سلامت و امنیت روانی و اعتماد به نفس برخوردار است و سعی در شناخت و احترام به نظرات، عقاید و احساسات دیگران و تأمین امنیت روانی و محیطی آرام و مناسب برای خود و همسالان دارد.



گورن هم که برای بقا مجبور به تن دادن به سنت‌های طبیعی حفره (از جمله آدم‌خواری) می‌شود، رفتار تهوع‌آورش را قابل‌درک می‌سازد. شاید تنها گناه تریماگاسی این است که به جز فکر کردن به یک روز دیگر دوام آوردن، به راهی برای تغییر شرایطش فکر نمی‌کند. هرچند فیلم با استفاده از یکی دیگر از کاراکترها ثابت می‌کند که این طرز فکر انسان دوستانه و انارشستی هم به مقصد متفاوتی منتهی نمی‌شود.

اینکه «پلتفرم» فاقد هرگونه قهرمان یا تبهکاری است فقط به این خاطر نیست که همه در چارچوب حفره، در آن واحد متهاجم و قربانی هستند، بلکه برای اشاره به این نکته است که هیچ ایدئولوژی یا سیستمی قادر به حل کردن مشکل حفره نیست. عدم کارکرد کاپیتالیسم به این معنی نیست که سوسیالیسم راه رستگاری ساکنان حفره خواهد بود. گرچه «پلتفرم» کاپیتالیسم را نقد می‌کند، اما هیچ نمونه‌ی جایگزین بهتر دیگری معرفی نمی‌کند. چون حقیقت این است که اگر سیستم حکومتی بی‌نقصی که در آن حقوق مردم ضعیف پایمال نمی‌شود وجود نداشت، اگر کشف چنین سیستمی این قدر آسان بود، نه تنها بشریت در وضعیت آشفته‌ی فعلی‌اش به سر نمی‌برد، بلکه اصلاً دلیلی برای ساخت چنین فیلمی وجود نداشت.



شکوفه های دانش و زندگی، دل خوش کرده ام به خاطرات زیبای این چندماه گذشته، به نامه های کوتاه و نقاشی های پر از احساس تان، به صدای زیبای معصومانه ی شما که برایم فرستاده بودید و گفتید: شما هم دل تنگ من هستید و اشک های بی اختیارم که جاری شد.

دل تنگ روزهای شاد مدرسه ام

دل تنگ صدای زیبای کودکانه ی شما که صدایم می زدید و من می گفتم جاناااا.

جانم...

جان من شاید این فاصله آزمون من بود که بدانم چه قدر عاشقانه دوست تان دارم.

که چگونه فرشتگانی با جعه های کوچک نقشی بزرگ در زندگی من دارند.

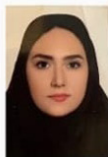
و این گونه شد که شاگردان به آموزگارشان زیبا دیدن، زیبا زیستن و پاکی را آموختند.

بی صبر و قرارم برای دیدن شکوفه های بادام تا بشکفد جوانه ی زندگی در دل تنگ من با دیدن لبخند دوباره ی شما.

امیدواریم به آینده ای روشن با تکیه بر توانایی های بی حد و مرز شما غنچه های پرشور و سرشار از زندگی که فرزندان پر افتخار سرزمین مان هستید.

و چه خوش گفتم سهراب که وصف حال این روزهای من است.

تو مرا یاد کنی یانکتی .
 باورت گر بشود گر نشود
 حرفی نیست
 اما
 نفسم می گیرد در هوایی
 که نفس های تو نیست.



نویسنده: سرکار خانم سارا مرادی

چقدر دلم لک زده برای هم خوانی شما گل های نازنینم که هم صدا می خواندید ما کلاس اولی ها همه با سواد و دانا شده ایم ...

دلم هوای آن روزهایی را کرده که با اشتیاق فراوان پای تخته حروف را مرتب می کردید و زنگ تفریح ها با هم مسابقه می گذاشتید یک کلمه جدید با قطار کردن نشانه ها ، کنار هم بسازید.

دلم برای روز هایی تنگ است که تلاش بی وقفه داشتید برای رنگ شدن خانه های تشویقی ، برای شادی های وصف ناپذیرتان ، برای همدلی و محبت های بی وقفه تان ، برای بازیگوشی های وسط املا برای همه این ها دل تنگم ...

من تمام این روزها را چشم به راهم همان طور که چشم به راه بهارم فردای بهتر و زیباتری با انرژی شما عزیزانم در راه است.

دوست دارم هر چه زودتر بهار از راه برسد و قدم های تندتری بر دارد تا زیبایییش با وجود شما گل های زیبا ، رنگ زیباتری بگیرد .

🌸🌸🌸🌸🌸

دل نوشته ی آموزگار شما



نویسنده: سرکار خانم بهاره خسروی

دلتنگ روزهایی هستم که صبح را با دیدن لیخند زیبایتان آغاز می کردم و روز را با نشاط و سرزندگی شما می گذراندم ، انگار که من هم کودکی هفت یا هشت ساله ام که در کنار شما می آموزم و رشد می کنم .

عزیزانم !

دوستان دارم و دلخوش به دیدار دوباره ی شما هستم ❤️



نویسنده: سرکار خانم مهدیه ملاشریفی

به نام تنهاترین دوست روزهای دلتنگی ام
و امروز دلتنگ ترم از دیروز...و فقط خدا می داند که اگر این روزها ادامه داشتند باشند...فرداها دلتنگی با من چه خواهد کرد...پناه می برم به امن ترین گوشه ی خانه ام... که بوی شما را می دهد...و می نویسم به رسم همیشگی ام در روزهای دلتنگی ام...نمی دانم با این حجم از دلتنگی چه کنم...سال ها پیش که پا به دنیای زیبا و یک رنگ تان گذاشتم تا به امروز مزه ی تلخ روزهای زیادی از دوری تان را به دلایل مختلف چشیدم...و خانواده ام و دوستانم حتی بارها اشک های مرا از این ناتوانی در مقابل ندیدن شما دیده اند...اما این بار فرق می کند...این بغض از روزی که کلاس را خالی از شما دیده ام چنان در گلویم گره خورده و هر ثانیه با من است که دارم می فهمم این حجم عظیم دلتنگی از دوری تان مرا این بار از پای خواهد درآورد... روز اول این تعطیلات را به خاطر می آورم...که برای بردن کتاب های تان آمده بودید و طبق عادت همیشگی وقتی مرا دیدید به سوی آغوشم دویدید...اما من و شما ناتوان از درآغوش گرفتن یکدیگر...به خاطر شرایط تلخ این روزها...و والای بر این نتوانستن...که غمگین ترین حس دنیا ست...و این غمگین ترین حس دنیاست که از آن روز هر لحظه با من است...و بغضش در گلو...مرا رها نمی کند...فقط می خواهم بگویم...حال که در این دوری...از این همه فاصله...با این همه نتوانستن...صدای تان می کنم ،از راه دور بغلم کنید...قول می دهم سخت در آغوش تان می گیرم...و ایمان دارم به تکرار روزهای خوش گذشته که خواهد آمد...که ما یکدیگر را فارغ از همه ی محدودیت ها سخت در آغوش خواهیم گرفت....
یا حق

نویسنده: سرکار خانم آتوسا مرادی



■ برای خواندن دلنوشته های معلمان به صفحه اینستاگرام مجتمع آموزشی راه رشد مراجعه کنید

